

رفتارشناسی سیاسی - مذهبی طالبیان در عصر امام حسن عسکری علیه السلام

احمد فلاحزاده^۱

چکیده

طالبیان یعنی نوادگان ابوطالب از نسل امام علی علیه السلام و جعفر، نقش پررنگی در رویدادهای نیمه دوم سده سوم هجری داشتند. کشته شدن متوکل (حک. ۲۳۲-۲۴۷) و افزایش درگیری‌های درونی عباسیان، زمینه‌ساز افزایش فعالیت‌های سیاسی-مذهبی در جهان اسلام شد. آل ابوطالب که به سبب خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله مدعی خلافت بودند نیز از فضای پیش‌آمده استفاده کردند. مسئله اصلی پژوهش این است که طالبیان در برابر عباسیان چه عملکرد سیاسی-مذهبی از خود بروز داده‌اند؟ این نوشتار بر اساس نگره «رفتارگرایی خاندانی» به واکاوی توصیفی-تحلیلی داده‌های تاریخی و حدیثی پرداخته و نشان داده است طالبیان که از نظر مذهبی به دو دسته «امامی» و «زیدی» تقسیم می‌شدند، در بُعد اندیشه سیاسی سه گونه رفتار «همگرا»، «واگرا» و «ساکت» از خود بروز داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آل ابوطالب، امام حسن عسکری علیه السلام، امامیه، رفتارگرایی خاندانی، زیدیه.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه و دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران. ahram12772@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۰۰/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۸/۲۵

در آمد

خاندان ابوطالب عموی پیامبر ﷺ از تبارهای نامدار تاریخ اسلام به شمار می‌روند. انتساب به بنی‌هاشم و عموزادگی پیامبر ﷺ، برای این خاندان جایگاه ویژه‌ای در جامعه پدید آورده بود. از میان طالبیان آن دسته که به عنوان نوادگان پیامبر ﷺ شناخته می‌شدند یعنی شاخه حسنیان و حسینیان، در صدر شرافت دودمانی قرار دارند. پس از گذر چند دهه از توسعه نسلی و فعالیت‌های مختلف سیاسی- مذهبی، خاندان ابوطالب در نیمه دوم قرن سوم هجری، به جمعیت گسترده و چند شاخه‌ای تبدیل شده بود که خود رقیبی برای خلافت عباسی به شمار می‌رفت. پذیرش عمومی جامعه نسبت به آل‌ابی‌طالب به دلیل انتساب آنها به بنی‌هاشم و رسول خدا ﷺ و نیز تلاش‌های شمار زیادی از این خاندان برای دستیابی به قدرت، آنان را در فهرست نامزدان حکومت قرار می‌داد. همین موضوع، مایه‌گروش آنان به مذاهب مخالف حکومت نیز بود. از این رو پژوهش پیش‌رو، رفتار سیاسی و مذهبی بنی‌طالب در عصر امام حسن عسکری عجلایه، را واکاوی می‌کند.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع پیش‌رو، هیچ مقاله همسانی به دست نیامد، با این حال به شماری از پژوهش‌های نزدیک به بحث اشاره می‌شود. مقاله «تفسیر تاریخ اسلامی، بر اساس منازعه عباسیان و طالبیان (شعر ابن مُعْتَزِ عَبَّاسی مقتول در ۲۹۶)»، به خامه رسول جعفریان (۱۳۹۱ش)، همان‌طور که از نامش پیداست، به کشمکش‌های عباسی و طالبی به صورت بسیار کوتاه آن هم در قالب چکامه‌های عبدالله بن معتز اشاره می‌کند و پیوندی با پژوهش پیش‌رو ندارد. محمد احمدی منش (۱۳۹۴ش) در مقاله «اصلاح ساختار دولت عباسی در نیمه دوم سده سوم (۲۵۰-۳۹۵)» سرِ سخن را درباره برخی از قیام‌های علویان در عصر مهتدی (حک. ۲۵۵-۲۵۶) و معتمد (حک. ۲۵۶-۲۷۹) به صورت بسیار کوتاه، باز می‌کند و از آن می‌گذرد. البته رویکرد این پژوهش، پرداختن به علویان نیست و اساساً در پی شرح ساختار دولت عباسی است. محمد سهیل طقوش (۱۳۸۳ش) نیز در کتاب دولت عباسیان، ضمن اشاره به حرکت زنگیان، با تقسیم علویان به «زیدیه»، «امامیه»، «قرامطه» و «اسماعیلیه» تنها گزارشی بسیار کوتاه درباره روند رو به رشد این جریان‌ها به دست می‌دهد که هرگز با رویه مقاله، همسان نیست، زیرا طقوش به مناسبات این جریان‌ها با عباسیان توجه نکرده است. خانم جلیله فیصل برغش المیاحی (۲۰۲۱) هم در مقاله «موقف العلویین ما بین سیاستی المنتصر و المستعین» به دلایل قیام‌های علویان در عصر امام هادی عجلایه می‌پردازد. در میان نوشته‌های ترکی نیز کتاب صائم ایلماز (۲۰۰۶) با نام

عباسیان در دوه معتضد و مکتفی^۱، تنها به خیزش‌های دوران این دو خلیفه پرداخته که البته این رویدادها مربوط به پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام است. در یک نگاه کلی بررسی‌ها نشان می‌دهد، تحقیقات مستقل چندانی درباره دوره امام حسن عسکری علیه السلام و خلفای معاصر ایشان، انجام نشده‌است، از این رو انتظار وجود پژوهشی درباره موضوع مقاله، دشوار است.

نظریه رفتارگرایی خاندانی (= قبیله‌ای)

رفتارگرایی یک نظریه آموزشی (یادگیری) است که طی آن، همه رفتارها از طریق تعامل دو یا چند سوبه میان انسان و محیط به دست می‌آید. چنین تعاملی، حاوی مفاهیمی از جنس همگرایی یا واگرایی نسبت به محیط است. رفتارگرایان بر این باورند که پاسخ‌های ما به محرک‌های محیطی، بیانگر اعمال ما هستند (Krapfi, 2016: 123).

در رفتارگرایی، رفتار انسانی با هدف پیش‌بینی و مهار رفتار بررسی می‌شود. در این واکاوی، رفتارهایی مورد کاوش قرار می‌گیرند که بر اثر تجربه ایجاد شده باشند. از نظر رفتارگرایان، رفتارهای قابل مشاهده و اندازه‌گیری باید مطالعه شوند. اما رویدادهای ذهنی را نمی‌توان با رفتارگرایی و به صورت مستقیم بررسی کرد، زیرا رفتار از پاسخ‌هایی تشکیل می‌شود که قابل دیدن باشد. بر پایه این نظریه، وظیفه رفتارگرا، توجه به محرک‌هایی است که به‌وسیله آن، پاسخ را پیش‌بینی می‌کند و همچنین توجه به پاسخی است که نشان دهنده نوع محرک است (Abamson, 2013: 55). در اینجا، گاهی دوگانگی به ترتیب بین حالت‌های بین فردی و بین گروهی رخ می‌دهد که بنابراین، افراد می‌توانند طبق منش فردی خود با دیگران رفتار کنند (رفتار بین فردی)، و هم می‌توانند به عنوان عضوی از گروه با دیگران ارتباط برقرار کنند (رفتار بین گروهی) (hung ng, 2010: 19).

بر اساس این نظریه، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اشخاص، اعم از ویژگی‌های خاندانی (تباری)، ویژگی‌های شخصی، خانواده، جامعه و طبیعت، همگی مورد بررسی قرار می‌گیرند، زیرا هر یک از این خصوصیت‌ها، بخشی از محرک‌های رفتار را تشکیل داده و مایه شکل‌گیری رفتار می‌شوند. اما در بررسی رفتار خاندانی، از آنجا که این مجموعه (خاندان) از افراد گوناگونی تشکیل یافته است، محرک‌ها و رفتار خاندانی نیز، نوعی رفتارگرایی فردی در قالبی بزرگ‌تر با ویژگی‌های عمومی است. خاندان‌ها، معمولاً خود را پای‌بند به یک‌سری اصول نانوشته درونی می‌دانند که سنجشی برای رفتار آنها در برابر رخدادهای گوناگون به شمار می‌رود. یک خاندان، اگر انسجام نخستین جمعیتی (یکجا نشینی) خود را از دست

1. *Mu'tazid ve Müktefi Döneminde Abbâsiler.*

بدهد و به صورت جامعه‌ای پراکنده با حفظ برخی از ویژگی‌های خاندانی دربیاید، در این حالت، خاندان، از گروه‌های کوچکی تشکیل شده است که لزوماً در همه رفتارها، یا در رفتارهای کنش‌گرانه، یکدست عمل نخواهد کرد. در این صورت، عنصر زمان، مکان و شخصیت‌ها، به یک سه بُعدی تأثیرگذار در رفتار تبدیل می‌شوند. نظریه «رفتارگرایی خاندانی» در مجموعه‌های جمعیتی که ساختار خاندان و یا قبیله هنوز برجای مانده است و رسوم مورد احترام آن برای اعضا هنوز تداوم دارد، قابل دستیابی است.

طالبان و نظریه «رفتارگرایی خاندانی»

آل‌ابی‌طالب، از تیره‌های هاشمی و از مشهورترین شجره‌های این تبار است. در سده سوم هجری، بازماندگان نسل جعفر، عقیل و علی علیه السلام، پسران ابوطالب جمعیتی بسیار گسترده را در عین پراکندگی جغرافیایی شکل می‌دادند. این خاندان از یکسو به عنوان «قربشی» به سنت‌های قبیله بزرگ قریش، پای‌بند بودند و از سوی دیگر متناسب با شرایط زیستی (زمان و مکان) در رخدادهای سیاسی نیز نقش ایفا می‌کردند. آن بخشی از این خاندان که به نام «حسنی» و «حسینی» شناخته می‌شدند، خود را از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و تقدسی نیز برای خود قائل بودند. از آن سو، عباسیان نیز برای بیرون نماندن از این دایره تقدس، خود را خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌کردند که به این ترتیب، یک خانواده بزرگتری به نام «بنی‌هاشم» شکل می‌گرفت تا عباسیان نیز از سفره معنوی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بهره‌مند شوند (این شبهه، ۱۳۶۸: ۶۳۸/۲-۶۳۹). بدین منظور، آنها مناسباتی برای خود تعریف می‌کردند که به اصطلاح «عرف هاشمیان» (فلاح زاده، ۱۳۹۹: ۳۷-۵۵) خوانده می‌شد؛ سنتی نانوشته از رشته رفتارهای بزرگ‌منشانه که خود را پای‌بند بدان می‌دانستند (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۴۳). «هاشمی بودن» آن قدر اولویت داشت که تنها همین عنوان، دلیل بخشی از رفتارهای اجتماعی مانند پخش نذری از سوی بزرگان، میان بنی‌هاشم بود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۳۱/۲).

در عصر امام حسن عسکری علیه السلام، از خاندان بنی‌هاشم، تیره‌های طالبی، عباسی و لَهبی (خاندان ابولهب) (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۳۶/۱۱) از شهرت بیشتری برخوردار بودند. شایسته ذکر است با آغاز دولت بنی‌عباس (۱۳۲ق) از دید مردم، این دولت بنی‌هاشم بود که به تازگی سربرمی‌آورد (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۳۶۰/۱۴ مبرد، ۱۴۲۰: ۱۲۷/۵). منظور از «طالبان» بازماندگان خاندان ابوطالب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند که از فرزندان علی علیه السلام و جعفر ادامه یافته بودند. در منابع این دوره اگر واژه «علوی» برای کسی یا جماعتی به کار می‌رفت منظور همان بازماندگان علی علیه السلام از نسل پسرانش: حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، محمد حنفیه، عباس، عمر بن علی علیه السلام بود. اما مقصود از فاطمیون، تنها نسل حسن علیه السلام و بازماندگان حسین علیه السلام بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۹۶/۲). البته، حسنیان و حسینیان نیز نزد مردم به «طالبی» =

نسل ابوطالب» شناخته می‌شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۷/۱۱). گفتنی است، در این عصر، لقب «طالبی» گاهی به معنای «علوی» یعنی نسل علی علیه السلام و گاهی در اشاره به فرزندان جعفر طیار به کار می‌رفت (بلادری، ۱۴۱۷: ۳۵۸/۲، ۳۶۳، ۳۵۸/۳؛ طبری، ۱۳۷۸: ۲۶۶/۹، ۲۷۵، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۸، ۳۷۰؛ ابن داود، ۱۳۴۲: ۱۷۶؛ حلی، ۱۴۱۱: ۷۷). بنابر نظریه رفتارگرایی خاندانی، طالبیان در این دوره، بر حسب جغرافیای زیستی و شرایط زمانه، هر کدام رفتاری متناسب با شرایط خود را پیش می‌گرفتند. محرک‌های اجتماعی و شخصی، آنها را به سه دسته رفتار عمده یعنی «همگرایی»، «واگرایی» و «سکوت» وامی‌داشت.

نمودار زمینه‌های رفتار سیاسی طالبیان



شایسته ذکر است در عصر امام حسن عسکری علیه السلام (۲۵۴-۲۶۰) سه خلیفه به ترتیب با نام‌های معتز (حک. ۲۵۲-۲۵۵)، مهتدی (حک. ۲۵۵-۲۵۶) و معتمد (۲۵۶-۲۷۹) حکومت می‌کردند.

مناسبات طالبیان و عباسیان در عصر امام حسن عسکری علیه السلام

۱- عصر معتز (حک. ۲۵۲-۲۵۵)

نخستین خلیفه معاصر امام حسن عسکری علیه السلام یعنی «مُعْتَز» پس از «مُنْتَصِر» بزرگترین پسر متوکل بود (زرکلی، ۱۹۸۹: ۷۰/۶). او همزمان با خلافت مستعین در سال ۲۵۱ در بغداد، خودسرانه در سامرا پرچم خلافت برافراشت (همانجا). با این کار، در واقع دو خلیفه یکی در بغداد و دیگری در سامرا حکومت می‌کردند که این امر به ماه‌ها جنگ میان بغداد و سامرا انجامید (یعقوبی، بی‌تا: ۴۹۹/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۹۰/۹). سرانجام با پیروزی خلیفه مستقر در سامرا، به صورت رسمی معتز در چهارم محرم سال ۲۵۲ به خلافت رسید. این جنگ داخلی عباسیان، فرصت مناسبی برای طالبیان جهت آزمون بخت حکمرانی بود. نارضایتی‌های عمومی نیز دست به دست هم داد تا بار دیگر علویان و اهالی طبرستان همنوا با

ابودلف (فرمانروای آوه و اطرافش) سر به شورش برداشتند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۷۲/۹). بدین ترتیب قیام‌های «ابودلف» در کرج (اطراف آوه) تا همدان، «اهل قم» (همانجا، ۳۸۱/۹)، «اهل ری»، «طبرستانی‌ها» و همه «مخالقان علوی» در این ناحیه، آن هم به صورت یکپارچه، قدرت خطرناکی را شکل داد (همانجا)؛ تا جایی که ارتباط خراسان در شرق خلافت اسلامی با بغداد کاملاً در اختیار این گروه‌ها قرار گرفت. آنگاه که قلمروی علویان طبرستان در شرق با تصرف مناطقی چون ابهر و زنجان، گسترش می‌یافت، قمی‌ها نیز از سستی دستگاه خلافت بهره برده، سر از پرداخت مالیات به خلیفه برتافتند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۰۷). پس از شورش مردم قم، مفلح ترکی پیشگام لشکر موسی بن بغا (از فرماندهان ترک عباسی) وارد این شهر شد (قمی، ۱۳۶۱: ۳۵) و بسیاری را کشته و سه برابر بیشتر از ایشان مالیات گرفت و شماری از بزرگان شهر را نیز به اسارت نزد معتز فرستاد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۰۷). سپس شیعیان شکوانامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشتند و آن حضرت، دعایی برای قنوت نماز که نفرین موسی بن بغا را در خود داشت برای اهل قم ارسال کرد (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۶۴-۶۶). سپاه خلیفه در ادامه با حمله به زنجان، قزوین و ری، جمع زیادی از آنان به همراه علویان و دیلمیانی که به کمک آنها آمده بودند را کشت (همانجا). گفتنی است، بر پایه گزاره‌های تاریخی، نخستین نهضت بزرگ سازمان یافته، حرکت علویان در طبرستان بود که از سال ۲۵۰ در گرماگرم نبردهای معتز و مستعین شکل گرفت. در این زمان، حسن بن زید داعی طبرستانی شمار قابل توجهی از طالبیان را نیز به همراه داشت (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۱۶). زیرا رسم بود هنگامی که یکی از خاندان بنی طالب، در جایی حکومتی برپا می‌کرد، جمع گسترده‌ای از طالبیان به او می‌پیوستند.

از این رو در پی تشکیل دولت علویان در طبرستان، شمار فراوانی از سادات حسنی، حسینی و نوادگان جعفر طیار به این ناحیه کوچیده به یاری دولت او رفتند (اصفهانی، بی تا: ۵۳۸). همراهی جمعیت طالبی در یک قیام به خوبی می‌توانست، به پدیدآوردن مشروعیت مردمی قیام، یاری رساند. از این جمع پیوسته به قیام، در جنگ بین صفار و حسن بن زید، حمزه بن عیسی حسنی به همراه دو برادر به نام‌های محمد و ابراهیم پسران حسن بن علی از سادات حسینی و دو نفر دیگر به نام‌های حسن بن محمد از همین نسل و اسماعیل بن عبد الله از نوادگان جعفر طیار کشته شدند (همانجا، ۵۳۸). سپاه خلیفه هم که برای سرکوب حسن بن زید رفته بود، پس از مدتی محاصره به سامرا بازگشت. دو حادثه، یکی مرگ معتز خلیفه عباسی (۲۵۵) و دیگری قیام صاحب الزنج در بصره که بغداد را در معرض تهدید قرار داده بود، مفلح و موسی بن بغا را که در شرف شکست کامل علویان طبرستان بودند، به عراق برگرداند تا هم نهاد خلافت را از خطر سقوط برهاند و هم در تعیین خلیفه جدید سهمی داشته باشند (پرگاری و دیگران، ۱۳۹۳:

۱۳۸). در همین ایام به دلیل شورش سایر طالبیان در مکه، مدینه، بحرین و یمامه، اوضاع خلافت آشفته شد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۹۳/۴). در این شرایط سیاست فراخوانی طالبیان باز هم از سرگرفته شد و برخی از علویان از شهرهای خود به سامرا فرا خوانده شدند. از آن جمله علی بن عبیدالله از نوادگان عمر الاطرف بن علی علیه السلام همراه پسرش احمد به سامرا آمدند (ابن صوفی، ۱۴۲۲: ۴۶۰).

رفتارهای تند با طالبیان و ستم به آنان، در کنار زندانی کردن و کشتن مخالفان، روشن‌ترین پاسخ به چرایی این همه قیام در آن روزها بود. در سال‌های پایانی خلافت معتز اوضاع آشفته‌تر شد. حرکت پرطمطراق زنگیان به قیام خوفناکی تبدیل شد (همانجا) که بین سال‌های ۲۵۵ تا ۲۷۰ خلافت را به خود مشغول کرد. شورش بزرگ صاحب الزنج از نظر بسیاری قیام یک علوی به نام احمد پسر عیسی بن زید شهید بود (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۵۲/۳). وی پس از پیشرفت‌هایی، آن‌گاه که وارد محله امامیه نشین کرخ^۱ بغداد شد، مورد حمایت بزرگان این محله قرار گرفت (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۶/۹). او پس از یکسری پیکارها باز هم به کرخ آمد و پیشواز شایسته‌ای از وی به عمل آمد (همو، ۴۲۱/۹). خلیفه هم بر مبنای خبر این همکاری‌ها، ردپای این قیام‌ها را در بیت امامت در سامرا جستجو می‌کرد (همو، ۳۸۱/۹).

اوضاع حجاز نیز آشفته بود. قیام اسماعیل پسر یوسف از سادات حسنی در مکه و یورش او به مدینه و جده و محاصره کردن این شهرها، قحطی و ناامنی فراگیری به دنبال داشت تا جایی که هزار و صد حاجی به دست او کشته شدند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۵۰/۱۲). این قیام که به تصرف مکه انجامید، امنیت حاجیان را به خطر انداخت و دیگر امیدی به دستگاه خلافت حتی در میان حاجیان هم نبود. البته کمی بعد یاران و مخالفان اسماعیل دو دسته شده، در مکه با هم جنگیدند که برادرش حسن (اصفهانی، بی‌تا: ۵۲۴) و جعفر بن عیسی از تیره جعفر بن ابی‌طالب هم در این مبارزه کشته شدند (همو، ۵۲۵). محمد اکبر پسر موسی ثانی نیز از چهره‌های شاخص این زمان است (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ۱۲۰). با رسیدن خبرها به سامرا بالاخره خلیفه سردارش «ابوالساج» را به نبرد با اسماعیل فرستاد و جانشین او عبدالرحمن، یکی از فرماندهان قیام به نام احمد بن عبدالله حسنی را نیز در مکه، پس از دستگیری کشت (اصفهانی، بی‌تا: ۵۲۹). افزون بر این وی یکی دیگر از نوادگان جعفر بن ابی‌طالب به نام عیسی بن اسماعیل را به کوفه برد و در آنجا به قتل رساند (همانجا). در ادامه این روند، حرث بن اسد، عامل ابوالساج در مدینه، احمد بن محمد حسنی را زندانی کرد و آن قدر او را نگاه داشت تا درگذشت (اصفهانی، بی‌تا: ۵۲۶).

از سیاست‌های اصلی عباسیان در برابر بنی‌طالب، زندانی کردن آنها بود. این سرنوشت افرادی مانند

۱. در این زمان دو محله به نام کرخ در تاریخ ثبت شده‌است، یکی در سامرا با ساکنانی شامل فرماندهان بلندپایه و نظامیان ترک‌تبار و دیگری در بغداد با مرکزیتی اقتصادی و ساکنانی امامی مذهب.

محمد بن حسین از سادات حسنی در زندان سامرا را به کام مرگ فرستاد. موسی بن موسی حسنی در دوره معتز از مصر به سامرا تبعید شد و در عصر معتمد در زندان از دنیا رفت. محمد بن احمد از سادات حسینی را سعید بن حاجب به زندان سامرا برد. سپس پسرانش احمد و علی را هم در سامرا زندانی کرد که محمد و پسرش احمد در حبس درگذشتند (اصفهانی، بی‌تا: ۵۴۰). این سیاست در برابر همه طالبیان به کار می‌رفت و حتی یاران طالبی امام حسن عسکری علیه السلام نیز هر از چندی از سوی معتز زندانی می‌شدند. چنانکه معتز، ابوهاشم و امام حسن عسکری علیه السلام را به همراه شماری دیگر از طالبیان از جمله حسن بن محمد عقیقی و ابراهیم عمری به زندانی اندخت (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۲). به‌رغم تلاش‌های زیاد خلیفه اما با فروکش نکردن حرکت‌های شیعی، معتز که مرکز این قیام‌ها را در خانه امام حسن عسکری علیه السلام می‌دید، دستور داد آن حضرت را به کوفه ببرند و در راه به شهادت برسانند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴۳۲).

۲- عصر مهتدی (حک. ۲۵۵-۲۵۶)

پس از معتز، مهتدی سرکار آمد. او به سبک علی علیه السلام اتاقی را در دیوان مظالم قرار داد که هر کسی می‌توانست درخواست‌ها، نظرات و یا نقدهای خود را نسبت به او یا دولتش نوشته در آن بیاندازد (عسکری، ۱۴۰۸: ۲۰۶). به‌رغم این الگوگیری، اما اندیشه سیاسی او نسبت به مخالفان علوی، حاوی تلاشی خشونت بار برای سرکوب طالبیان به صورت کلی و امامیه به صورت خاص بود. از آنجا که او می‌کوشید به هر نحو ممکن بر سر تخت بماند، قیام‌های علویان و طالبیان اوضاع را برای او ملتهب‌تر می‌کرد. بحرین (طبرسی، ۱۳۸۷: ۴۱۰/۹)، قزوین، ری (قمی، ۱۳۶۱: ۳۵)، مکه (اصفهانی، بی‌تا: ۵۳۲-۵۳۳)، مدینه (همو، ۵۳۱-۵۳۰)، بصره (همو، ۵۳۰) و کوفه (همو، ۵۲۸-۵۲۹) کانون ناآرامی‌های طالبیان علیه مهتدی بودند. پیش از شعبان سال ۲۵۵ هجری - کمتر از یک ماه قبل از تولد مهدی علیه السلام - مهتدی شماری از شیعیان را به همراه امام حسن عسکری علیه السلام زندانی کرد. زیرا وی از منجمان دربار شنیده بود که به زودی پسری برای حسن عسکری علیه السلام به دنیا خواهد آمد (ابن ندیم، بی‌تا: ۲۰۵). در همین حبس ابوهاشم جعفری از یاران امام هم حضور دارد (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۲-۲۵۳). در عصر مهتدی به دلیل تنگناهای ایجاد شده برای طالبیان، تعدادی از علوی زادگان قیام کردند. بنابر گزارش‌ها، مهتدی پانزده نفر از بزرگان طالبی را به قتل رسانید (اصفهانی، بی‌تا: ۵۲۸-۸۳۵). که از جمله آنها می‌توان به یحیی بن عبدالرحمن حسنی و محمد بن عبدالله از نسل جعفر طیار و همچنین محمد بن حسن بن محمد بن حسن حسنی (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ۳۴۶/۳) و محمد بن حسن بن محمد بن عبد الرحمن حسنی و جعفر بن محمد بن اسحاق بن امام کاظم علیه السلام و موسی بن عبد الله

حسنی و پسرش ادريس و احمد بن زید حسینی و ابراهیم بن عبد الله حسنی و عیسی بن اسماعیل از دودمان جعفر بن ابی طالب اشاره کرد (همو، ۳۴۷/۳). ناگفته نماند محمد بن قاسم از علویان در بصره قیام کرد که علی بن زید و گروهی از طالبیان مانند محمد پسر قاسم بن حمزه از نوادگان عباس بن علی علیه السلام به وی ملحق شدند (اصفهانی، بی تا: ۵۲۹). حسین پسر محمد حسنی نیز در نبرد میان یکی از سرداران موسی بن بغا به نام کیغلیغ در جنگ با کوبی در قزوین کشته شد (همانجا). حرث بن اسد در جایی به نام «حار»، محمد بن حسن بن محمد حسنی را اسیر کرد و به سمت مدینه برد. او در محلی به نام «صفر» درگذشت (اصفهانی، بی تا: ۵۳۰). عیسی بن اسماعیل از تبار عبدالله بن جعفر علیه السلام را عبدالرحمن جانشین ابوالساج در «حار» دستگیر کرده و با خود به کوفه برد و در آنجا او را به قتل رساند (همو، ۵۳۱). همچنین جعفر بن اسحاق از نسل امام کاظم علیه السلام به دست سعید حاجب در بصره کشته شد (همو، ۵۳۰). در این میان علی بن زید از سادات حسینی در کوفه قیام کرد و شماری از مردم و اعراب به او پیوستند، البته از زبیده و بزرگان کسی به او ملحق نشد. مهتدی برای مقابله با او یکی از سردارانش به نام شاه پسر مکیال را با لشکری بزرگ به جنگ فرستاد که در بصره با او درآویخت. این در حالی بود که شمار یاران علی بن زید بیش از دویست نفر نبود. با این حال علی توانست سپاه خلیفه را در هم کوبد. البته مردم کوفه که تجربه تلخ پیروزی قیام یحیی بن عمر و آزار او را داشتند، با وی همراه نشدند (اصفهانی، بی تا: ۵۲۹-۵۲۸). بار دیگر در رجب سال ۲۵۵ هجری عیسی بن جعفر و علی بن زید، دو تن از سادات حسنی در کوفه سر به قیام برداشتند که عبد الله بن محمد بن داود بن عیسی به مصاف آنها رفت (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۱۶/۷). همچنین محمد بن عبدالله که از تبار عبدالله بن جعفر بود به وسیله عبدالله بن عزیز دست نشانده طاهر، بین ری و قزوین کشته شد (اصفهانی، بی تا: ۵۳۱). عیسی بن محمد بن مخزومی در مکه علی بن موسی حسنی را به بند کرد و کشت (همو، ۵۳۲). علاوه بر وی، محمد بن حسین بن عبدالرحمن حسنی را عبد الله بن عزیز عامل طاهر در سامرا به زندان انداخت. به همراه او علی بن موسی بن اسماعیل از نسل امام کاظم علیه السلام هم زندانی شد و هر دو در زندان، کشته شدند. به جز آنها، محمد بن احمد بن عیسی بن منصور فرماندار مهتدی در مدینه، ابراهیم بن موسی حسنی را زندانی کرد. او نیز در اسارت از دنیا رفت (همانجا). همچنین ابوالساج فرماندار مدینه، عبدالله بن محمد حسنی را زندانی کرد و تا هنگام فرمانداری محمد بن احمد بن منصور در زندان بود تا از دنیا رفت. آنگاه پیکرش را به احمد بن حسین سپردند و او پیکرش را در بقیع به خاک سپرد (اصفهانی، بی تا: ۵۳۳). از آنجا که در دیدگاه مهتدی، نوعی هماهنگی میان طالبیان علیه او وجود داشت، در ماه‌های پایانی خلافتش، تهدید کرده بود که امام حسن عسکری علیه السلام و یارانش را از روی زمین پاک

خواهد کرد (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۰؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۶۳۶/۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۳/۲)؛ از این رو امام علیه السلام را به همراه برخی از طالبیان مانند ابوهاشم جعفری به زندان انداخت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴۳۰/۴).

۳- عصر معتمد (حک. ۲۵۶-۲۷۹)

پس از مرگ مهتدی، نظامیان ترک با معتمد بیعت کردند (یعقوبی، بی‌تا: ۵۰۷/۲). این خلیفه بیشتر مَرِد مجالس عیش و نوش بود (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۴۰۰/۸). در این دوره نیز سیاست سرکوب مخالفین پیش گرفته شد و هر دم خبر شورش‌هایی از بخش‌های گوناگون قلمرو، خلیفه را آزار می‌داد. در نخستین گام در کوفه علی بن زید طالبی قیام کرد و خلیفه، یکی از سردارانش به نام شاه پسر میکال را با لشکر بزرگی به مضاف او فرستاد. لشکر شاه درهم کوبیده شد و شاه هم به زحمت گریخت. سپس کنجور فرمانده ترک عباسی، مأمور شد تا به جنگ وی روانه کوفه شود. در آن سوی، حسن بن زید طالبی در طبرستان پس از شکست از موسی بن بغا و بازگشت موسی به سامرا در رمضان سال ۲۵۶ هجری به ری تاخت و آنجا را به فرمان خود درآورد. خلیفه با فراخوانی موسی بن بغا که یک بار تجربه جنگ با حسن بن زید را داشت، او را به جنگ حسن فرستاد و خودش هم تا دروازه شهر سپاه موسی را همراهی کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۷۴/۹).

حسین بن محمد از نسل امام سجاد علیه السلام معروف به حَزُون طالبی که در عصر معتز قیام کرده و در حبس بود، از سوی معتمد آزاد شد. او چندی بعد دوباره شورید و این بار زندانی شد و در زندان درگذشت (زرکلی، ۱۹۸۹: ۲۵۳/۲). اوضاع چنان به هم ریخت که در آذربایجان یک طالبی که رافع بالله نامیده می‌شد، به پاخاست و گُردهای بسیاری را با خود همراه کرد (مقدسی، بی‌تا: ۱۲۵/۶). در این سو، همچنان خلافت درگیر شورش سهمگین بردگان زنگی در هورهای جنوب بصره و درگیر مشکلات چندگانه داخلی بود (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۴۱۹/۴). در شوال سال ۲۵۷ نیروهای زنگی وارد بصره شدند و شهر را تصرف کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۹ / ۴۸۱-۴۸۳). فرمانروای زنگیان با ادعای کرامت، توانست با فتح بصره جایگاه قدسی خود را نزد یارانش فزونی بخشد. او پس از تصرف این شهر به دلیل حضور زیدیان در آن، خود را یکی از بازماندگان یحیی بن زید خواند. در حالی که پیش از این خود را وابسته به خاندان احمد بن عیسی می‌نامید (همو، ۹ / ۴۸۷-۴۸۸). این شورش ممکن بود برای همیشه خلافت عباسی را از پای درآورد (ابن عمرانی، ۱۴۲۱: ۱۳۷). علاوه بر آن، در همین سال، موسی بن بغا با حسن بن زید طبرستانی به نبرد پرداخت که در پایان به شکست حسن انجامید (طبری، ۱۳۸۷: ۵۰۱/۹). جنگ فرسایشی علویان طبرستان سرانجام موسی بن بغا را واداشت تا امیری به نام صلابی را برای جنگ

در ری برگزیند (همو، ۵۰۶/۹).

پس از شکست‌های پیایی سالاران سپاه، خلیفه ناگزیر در بیست هفتم ذی القعدة سال ۲۵۹ هجری موسی بن بغا را فرخوانده به پیکار زنگیان گسیل داشت (همو، ۵۰۴/۹). خلافت عباسی با تندخویی بی‌نظیری با اسیران زنگی برخورد می‌کرد و آنها را پس از شلاق زدن در برابر چشم مردم، دست و پا بریده و کشته و پیکرشان را می‌سوزاند (همو، ۴۹۸/۹). این سرنوشت اسیران زنگی‌ای بود که در معرکه اسیر و به سامرا منتقل می‌شدند (همو، ۵۰۶/۹). نابسامانی‌ها چنان بالا گرفته بود که در سال ۲۵۸، خلیفه برادرش موفق را به همراه مفلح به جنگ با زنگیان فرستاد. خلیفه آنها را تا برکواری بدرقه کرد (همو، ۴۹۰/۹). در این مراسم، امام علی (ع) هم به همراه جمعی از امامیه به درخواست خلیفه حاضر شد تا انتساب زنگیان به ایشان رد شود (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۴؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۱۴۴/۱). از نظر دربار، امام حسن عسکری (ع) به طور ویژه با قیام صاحب زنگ همراه بود (قمی، ۱۳۶۱: ۲۲۹) گرچه امام این موضوع را رد می‌کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴۲۹/۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۴۲۴/۲). پیش از آن با تولد مهدی (ع) در شعبان سال ۲۵۶ (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲۴/۲؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۲۴/۲؛ همو ۱۴۱۱: ۲۵۹) و اطلاع رؤسای شیعه از آن (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۳۳/۲-۴۳۴؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۱۰۱/۵) این روایت میان مردم مشهور شد که «خلیفه عباسی به دست مهدی (ع) کشته خواهد شد» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۶۶). تصرف واسط و پیشرفت‌های زنگیان در سال‌های ۲۵۶ و ۲۵۷ و حمله به اهواز (طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۰-۵۰۰) و گشودن این شهر، مایه دهشت خلیفه از این جریان شد (همو، ۴۷۳/۹).

در آن روزها تصرف قومس به وسیله حسن بن زید و شورش طالبیان در ری (همو، ۵۰۶/۹)، امیدها را برای سقوط خلافت عباسی بیشتر کرد. از نظر معتمد، نوعی همگرایی میان طالبیان علیه او وجود داشت، از این رو در سال ۲۵۸ امام حسن عسکری (ع) را به همراه برخی از طالبیان زندانی کرد (طبری، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۲). به دنبال این فشارها، طالبیان به مصر رفتند و همین تجمع امامیه در مصر و کمک به طالبیان منجر به قیام‌های فراگیری در آن ناحیه و مقدمه‌ای بر شکل‌گیری فاطمیان شد (ابن صوفی، ۱۴۲۲: ۳۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۱۷/۷، ۲۳۹؛ جلیلی، ۱۳۹۶: ۶۷-۹۰).

از آنجا که عموم طالبیان نزد مردم به گونه‌ای دارای ظرفیت رهبری سیاسی و مذهبی بودند، حتی حکومت‌های محلی نیز به صرف احتمال شورش، یک طالبی را اسیر می‌کردند. برای نمونه، یعقوب بن لیث در نیشابور حسین بن ابراهیم حسنی را دستگیر کرد و با خود به جنگ طبرستان برد که حسین در راه درگذشت (اصفهانی، بی‌تا: ۵۴۰). محمد بن عبدالله بن زید حسنی نیز پس از آنکه در مازندران به دست یعقوب اسیر شد در زندان او در نیشابور درگذشت. همچنین هنگامی که به رافع بن لیث خبر رسید

شماری از طالبیان سرشوریدن دارند، چهار نفر از ایشان و از جمله علی و عبد الله پسران موسی بن عبدالله بن موسی کاظم علیه السلام و علی بن جعفر حسینی و محمد بن عبدالله بن جعفر از دودمان جعفر طیار را در بند کرد (همانجا).

هرگاه خلافت سرگرم درگیری در گوشه‌ای از پهنه جغرافیای اش می‌شد، در سایر نقاط خیزش بزرگی از سوی طالبیان رقم می‌خورد (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ۳/۳۴۷). در همین زمان، محمد پسر حسن از نوادگان زید بن حسن علیه السلام که متهم به شراخواری و فسق بود در مدینه شوریید و چون دل خوشی از مردم شهر نداشت، بسیاری را به قتل رساند و اجازه نداد در تمامی مدت قیامش نماز جمعه یا جماعتی در شهر خوانده شود (ابن حزم، ۱۴۱۸: ۳۹). در این شورش، علوی دیگری به نام حسن به وی یاری می‌رساند (مقدسی، بی‌تا: ۱۲۵/۶). همچنین در این دوره، احمد بن محمد از نسل حسن مثنی به وسیله احمد بن طولون کشته شد و سرش را برای معتمد فرستادند. محمد بن میکال، احمد بن محمد از نسل امام سجاد علیه السلام را به نیشابور برد. عبیدالله بن علی از همین تبار در نبرد میان احمد بن موفق و خمارویه نواده طولون، کشته شد (اصفهانی، بی‌تا: ۵۳۶). علی بن ابراهیم از خاندان امام حسین علیه السلام در جایی به نام باب جعفر بن معتمد سامرا به قتل رسید. عبدالعزیز بن ابی دلف، منصوب خلیفه در آوه، محمد بن احمد از نوادگان عمر بن علی علیه السلام را پس از شکنجه بسیار کشت. علاوه بر وی، حمزه بن حسن از تبار عبدالله بن جعفر را هنگامی که در جمع یاران هوذان دیلمی بود در جنگ میان «هوذان» و «صلاب» از فرماندهان ترک تبار دستگیر کردند و صلاب او را به قتل رساند (همو، ۵۳۷).

گونه‌شناسی رفتار سیاسی طالبیان

در دوره امام حسن عسکری علیه السلام به دلیل درگیری‌های داخلی عباسیان، شرایط بروز رفتارهای سیاسی طالبیان بیشتر فراهم شد. در این سال‌ها آل ابی‌طالب، فرصت مناسبی برای نابود کردن خلافت بنی عباس به دست آورده بودند. آنها که خود را صاحبان واقعی حکومت می‌نامیدند، بیشتر در حرمین (مکه و مدینه) حضور داشتند (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۳۳۷). همان طور که گذشت روزگار چنان بود که هر طالبی سیاسی در این دوره ظرفیت برپایی نهضتی نو را در خود نهفته داشت. از این رو دولت عباسی به تکاپو افتاد تا با راه کارهای گوناگون به مصاف عموزادگان خود برود. آن دسته از طالبیان که به اندیشه سیاسی حق حاکمیت خود معتقد بودند، بر مبنای نظریه «واگرایی» دست به قیام زدند که در بخش‌های قبلی بدان‌ها اشاره شد. در برابر، یک دیدگاه در میان طالبیان بر مبنای نظریه «همگرایی» بر این باور بود که بابت قیام‌های قبلی علویان علیه عباسیان، می‌بایست از عباسیان پوزش خواسته و به آنها نزدیک شوند (زبیر بن بکار، ۱۴۱۶: ۲۸۵). همسو با این نظرگاه، طیفی از عباسیان نیز در پی این بودند، تا خاندان‌های

عباسی و طالبی را با ازدواج هر دو نسل با یکدیگر، به یک نسل تبدیل کنند (صولی، ۲۰۰۴: ۱۰۹/۳). در ادامه عباسیان، پیرو نگاه اجتماعی تقدس مآبانه به هاشمیان (اعم از طالبیان و عباسیان) از یکسو با این جریان همراهی می‌کردند و از سوی دیگر هر گونه القای درگیری میان عباسیان و طالبیان سیاسی را به سلب تقدس از خلافت تفسیر می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۰/۹). در چنین شرایطی گنیه ابوطالب، در میان شیعیان امامی و سایر طالبیان هم رایج بود (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۷۰/۲؛ مقدمی بصری، ۱۴۲۸: ۶۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۳؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ۳۱۲/۳؛ ۲۷۴/۵؛ نویری، ۱۴۲۳: ۱۱۴/۲۸). این اندیشه باعث شد عباسیان، دست کم در برابر مردم، خود را به ظاهر دوست طالبیان نشان دهند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱۳/۲-۱۲۰). با این همه، در این روزگار، بهترین راه برای قتل کسانی که در چارچوب تقدس هاشمیان قرار می‌گرفتند، مسموم سازی بود (کلینی، ۱۴۲۹: ۷۹۱/۱۴؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۳۰۹/۸؛ اصفهانی، بی‌تا: ۵۳۱). از این رو در عصر مهتدی شماری از طالبیان با همین شیوه به قتل رسیدند (اصفهانی، همانجا). دربار تلاش می‌کرد در کشتن تیره هاشم هیچ ردپایی از خود به جا نگذارد چرا که تقدس بنی‌هاشم که خلیفه نیز از آنان بود، زیر سؤال می‌رفت (طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۰/۹).

گونه‌شناسی رفتار مذهبی طالبان

از آنجا که طالبیان، به نسبت عباسیان، به صورت کلی، جمعیتی مخالف شمرده می‌شدند، از نظر مذهبی نیز معمولاً به مذاهبی که در برابر این سلسله قرار می‌گرفتند، مانند امامیه و زیدیه می‌پیوستند. در این میان، اندیشه جهاد برای برانداختن خلافت، از لحاظ فکر سیاسی، ریشه در اندیشه زیدی داشت. طالبیان، پیش از هر چیز، نخست خود را یکی از بنی طالب می‌دانستند و سپس به مذاهب فکری خود می‌اندیشیدند. در این فضای خاندانی، زیدیه هر یک از طالبیان را که جنبشی را آغاز می‌کرد، امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌شمردند (سمعانی، ۱۳۸۲: ۱۶۸/۳). موضوع دیگری که در تفکر زیدی نقش داشت، همگامی زیدیه با معتزله بود. معتزله پس از پایین آمدن از تخت ریاست عامه در سامرا (۲۳۴ق)، رفته‌رفته حیات سیاسی خود را در شهرهای اصلی از دست داد. از این رو در مراکز قیام مانند ری، طبرستان و یمن به بازتولید توان علمی خود پرداخت. به این ترتیب فرصتی پیش آمد تا عالمان معتزلی با نظریه‌های امامیه برخورد همدلانه‌ای داشته و حتی به امامیه متمایل شوند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۹). ویژگی اندیشه زیدی، بر خلاف امامیه، حرکت مسلحانه با فراخوانی ناراضیان دیگر برای همکاری با خود بود (مسعودی، ۱۴۰۹: ۴۶۴/۳). این نقطه جدایی، سرانجام به ستیز میان امامیه و زیدیه در باورهای مذهبی و ردیه نوبسی علیه یکدیگر مانند «الرد علی الرافضه» (ابن ندیم، بی‌تا: ۲۳۰، ۲۷۴) و «الرد علی الزیدیه» انجامید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۵، ۲۶۶، ۴۴). البته شماری از زیدیان مانند قاسم بن عبدالرحمن، علی بن خالد زیدی،

صابونی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۶۱؛ ابن داود، ۱۳۴۲: ۲۹۱) و محمد بن ابراهیم تقفی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷)، بعد از دیدن کرامات امام حسن عسکری علیه السلام به مذهب امامیه گرویدند.

در مواردی ارتباط زیدیه و امامیه، گسترش یافت، چنانکه احمد بن محمد بن عیسی اشعری بزرگ عالمان قم، در برخی منابع زیدی به عنوان شیخ حسن بن علی اطروش از ائمه زیدی، شناخته شده است (مؤیدی، ۱۹۹۳: ۲۱۸/۱). برخی از زیدی‌ها از امامیان، روایت نیز نقل می‌کردند (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۷۴) و با یکدیگر ارتباط داشتند (نک. موسوی تینانی و موسوی نژاد، ۱۳۹۴: ۵۵-۸۶). اماکن مشترکی مانند مزار امام حسین علیه السلام در کربلا به مثابه کانون آغاز خیزش‌های طالبیان (اصفهانی، بی‌تا: ۵۰۷) نیز وجه مشترک هر دو طائفه بود. افزون بر آن، انتخاب لقب افتخاری «ابن رسول‌الله» که بیشتر از سوی طالبیان حسنی و حسینی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت (همو، ۵۲۱) نیز رویه‌ای میانه، بین طالبیان زیدی و امامی بود. بر پایه این انگیزه همسو، حسن بن زید طبرستانی در هنگام زمامداری‌اش برای همگام کردن طالبیان با خود، دور مزار علی علیه السلام به نشان احترام دیواری کشید (ابن طاووس، بی‌تا: ۱۳۹). همو در نامه‌ای به صاحب‌الزنج، ضمن بیان ارتباطات طالبیان با یکدیگر، از پیروزی‌های وی ابراز خرسندی کرد (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۱۹۱/۷). در میان امامیه نیز امام حسن عسکری علیه السلام در امتداد همین نگاه کلی، امامیه را به پاسداشت حرمت آل ابی‌طالب فرامی‌خواند. در این رابطه ماجرای احمد بن اسحاق وکیل امام در قم و حسین بن حسن از نسل امام صادق علیه السلام نقل مشهوری است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۳/۵۰). از سوی دیگر، شخصیت ابوطالب پدر علی علیه السلام برای همه طالبیان، به مثابه جد بزرگ و نقطه همسوی مذهبی مورد احترام بود.

کتاب‌هایی که در آن سال‌ها در دفاع از فضل ابوطالب به نگارش درآمد، از جایگاه ایشان نزد زیدی‌ها و امامیه حکایت می‌کند. چنانکه ابومحمد اطروش (۲۳۰-۳۰۴) کتاب‌های فصاحتی طالب و معاذیر بنی‌هاشم فیما نقم علیهم را برای دفاع از نسب طالبی و رد نقدهایی که بر بنی‌هاشم وارد شده بود، نگاشت (نجاشی، ۱۳۶۵: ۵۷-۵۸). در میان امامیه نیز سعد بن عبدالله اشعری (متوفای ۳۰۱) از یاران امام حسن عسکری علیه السلام کتاب فضل ابی‌طالب و عبدالمطلب و ابی‌النبی را در همین حال و هوا نوشت (همو، ۱۷۸).

در کنار این همنوایی، افرادی از طالبیان که با «سیاست همگرایی» به دربار عباسی پیوسته بودند، با سخن چینی از هم‌قطاران طالبی خود، مایه گرفتاری آنها می‌شدند. این بدگویی‌ها خلیفه را بر آن داشت، امام حسن عسکری علیه السلام را به دربار فراخوانده (طبری، ۱۴۱۳: ۴۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۱۵؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۷۸۲/۲؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۴۳۴/۴) و جاننش را به خطر بیندازد (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۳۴/۴).

۶۴۰/۲). از طرف دیگر، رقیب پنداری زیدیه نسبت به امامیه، باعث شد به هر بهانه‌ای حسن بن زید، امامیه را از طبرستان بگریزند و آنان ناگزیر به بیت امام در سامرا، پناه بیاورند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۴۱/۵). موضع امامیه در برابر قیام‌های زیدیه معمولاً بسته به طبقات جامعه امامیه و نزدیکی یا دوری آنها از کانون امامت و اطلاع از فرمان‌های امام علیه السلام بود (بختیاری، ۱۳۹۱: ۹۰). از آن رو که در دولت عباسیان، نسب هاشمی، انتساب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمرده شده و نوعی تقدس را به دنبال داشت (ابن شبه، ۱۳۶۸: ۶۳۸/۲-۶۳۹).

ارتباط امام علیه السلام با طیف بزرگان بنی‌هاشم ذیل سیاست همگرایی میان طالبیان بود. گفتنی است، چهار طیف طالبیان یعنی حسنی‌ها، حسینی‌ها، خاندان جعفر طیار و فرزندان عباس بن علی علیه السلام با امام حسن عسکری علیه السلام در ارتباط بودند. از طیف حسینی‌ها دودمان عمر پسر امام سجاد علیه السلام روابط نیکی با ایشان داشتند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۴۲/۲). محمد بن علی بن ابراهیم بن کاظم علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۲۳/۲) و احمد بن عیسی از نوادگان علی بن جعفر علیه السلام نیز از نخستین راویان نص امامت آن حضرت بودند (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۹۹). جعفر بن محمد بن اسماعیل حسینی (خصیبی، ۱۴۱۱: ۳۳۳)، علی بن زید از نسل امام سجاد علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۳۴/۲-۶۳۵) و حسین بن حسن از خاندان امام صادق علیه السلام (مجلسی، ۱۴۱۳: ۳۲۳/۵۰) که در قم می‌زیست (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۱، ۲۲۸) با امام دلبستگی‌هایی داشتند (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۳۰، ۲۵۱). همچنین عبدالله بن احمد از دودمان امام سجاد علیه السلام آن گاه که به زندان افتاد، همسر و دخترش زینب نزد امام حسن عسکری علیه السلام آمدند و هدایایی را از ایشان دریافت کردند که از آن جمله تقره‌ای بود که امام به زینب بخشید (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ۲۳۴-۲۳۵). محمد بن اسماعیل از تیره امام کاظم علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۲۲/۲-۶۲۳) که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش مهدی علیه السلام را به او نشان داد (طبری، ۱۴۱۳: ۳۱۳) نیز در این دسته قرار می‌گیرند. از طیف حسنی‌ها، محمد بن اسماعیل حسنی (خصیبی، ۱۴۱۱: ۳۸، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۵۷، ۳۶۷) و احمد بن حسن حسنی ضمن دیدار امام از ایشان روایت نقل می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۵۲/۱، ۵۲/۲؛ همو، ۱۴۰۴: ۳۵۸). همچنین علی بن عبدالله حسنی گزارش‌هایی از دیدار امام علیه السلام با شیعیان یمنی در سامرا به دست داده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶). علاوه بر ابوهاشم جعفری (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۲)، محمد بن علی از نسل عباس بن علی علیه السلام از راویان امام، آن قدر به امام نزدیک بود که مادر حضرت مهدی علیه السلام پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در خانه او اقامت گزید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴۷-۳۴۸).

نتیجه

طالبیان در عصر امام حسن عسکری علیه السلام، شرایطی را تجربه می‌کردند که بر اساس نظریه «رفتارگرایی خاندانی»، به دنبال پیشینه اندیشه سیاسی کهن، یعنی حق حاکمیت آل محمد صلی الله علیه و آله بودند. دودمان ابوطالب، از نظر عباسیان، اصلی‌ترین رقبای خلافت به شمار می‌رفتند چرا که از بنیانی‌ترین شأنیت خلافت یعنی هاشمی بودن و انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت همزمان برخوردار بودند. در سال‌های امامت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان سال‌های پایانی عصر حضور، قیام‌های پیاپی آل طالب، در سراسر قلمرو عباسی، این دو شاخه هاشمی را بارها در دو سوی مخالف هم قرار داد. با اینکه جریان سیاسی طالبیان از جنبه مذهبی، معمولاً به باورهای زیدیه تمایل داشت، اما بخشی از طالبیان نیز به امامیه گرویده و به بیت امامت در سامرا، رو کرده بودند. در همین حال، طیفی از آل ابی‌طالب نیز به دربار عباسی گرویده و همگرا با آنان در تصمیم‌های عباسی-طالبی، جانب عباسیان را می‌گرفتند. سرانجام گروهی نیز، به دور از معرکه سیاست و مذهب، خاموشی پیش گرفته، سر در گریبان زندگی روزمره داشتند.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵/۱۹۶۵)، الكامل، بیروت، دارصادر- داربیروت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، الامالی، قم، مکتبه اسلامیة.
- _____ (۱۳۷۸ق)، عیون الاخبار، بی‌جا، دارالعالم (جهان).
- _____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دار الکتب الاسلامیة.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۲/۱۹۹۲)، المنتظم، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ط الأولى.
- ابن حزم اندلسی، ابومحمد (۱۴۱۸ق)، جمهرة انساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶)، التذکرة الحمدونیة، تحقیق: إحسان عباس و بسکر عباس، چاپ اول، بیروت، دار صادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸/۱۹۸۸) تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر.
- ابن داود، حسن بن علی (۱۳۴۲ش)، الرجال، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن شبة، ابوزید (۱۳۶۸ش)، تاریخ المدینة المنورة، قم، دار الفکر.
- ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۹ق)، المناقب، قم، موسسه انتشاراتی علامه.
- ابن صوفی، ابوالحسن (۱۴۲۲ق)، المجدی المجدی فی أنساب الطالبيين، قم، مکتبه آية الله المرعشی النجفی.
- ابن طاووس، عبد الکریم بن احمد (بی‌تا)، فرحة الغری، قم، منشورات الرضی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق)، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم، دار الذخائر.
- ابن الفقیه، ابو عبدالله احمد (۱۴۱۶/۱۹۹۶)، کتاب البلدان، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب.
- ابن عمرانی، محمد بن علی (۱۴۲۱/۲۰۰۱)، الانباء، تحقیق قاسم السامرائی، قاهره، دارالآفاق العربیة.
- ابن عنبة، احمد (۱۴۱۷ق)، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، قم، انصاریان.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی‌تا)، الفهرست، بیروت، دار المعرفة.
- احمدی منش، محمد (۱۳۹۴)، «اصلاح ساختار دولت عباسی در نیمه دوم سده سوم (۲۵۰-۳۹۵ق)»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۷، شماره ۱، صفحات ۱-۱۹.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.

- اصفهانی، ابو الفرج (۱۴۱۵ق)، الاغانی، بیروت، دار احیاء تراث عربی.
- _____ (بی‌تا)، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة.
- بختیاری، زهرا (۱۳۹۱)، «تعامل امام رضا(ع) با فرقه زیدیه»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال سیزدهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۵۰، صفحات ۸۳-۱۱۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷/۱۹۹۶)، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
- _____ (۱۹۸۸)، فتوح البلدان، بلاذری، بیروت، دار و مكتبة هلال.
- پرگاری، صالح، حسین زمانی و پروین ترکمنی آذر (۱۳۹۳)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان، تهران، سمت.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۱)، «تفسیر تاریخ اسلامی، بر اساس منازعه عباسیان و طالبیان (شعر ابن مُعْتَز عبّاسی مقتول در ۲۹۶ق)»، فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۴، شماره ۱، پیاپی ۵، صفحات ۶۱-۸۱.
- جلیلی، مهدی (۱۳۹۶ش)، «گرایش‌های شیعی در مصر تا میانه سده سوم هجری»، نشریه دانشکده الاهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۱، شماره ۵۵، صفحات ۶۷-۹۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱)، رجال العلامة الحلّی، تحقیق بحر العلوم، محمدصادق، چاپ دوم، نجف الاشرف، دار الذخائر.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۱ق/۱۱۹۱)، الهدایه الكبرى، بیروت، مؤسسه البلاغ.
- راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۹)، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- زبیر بن بکار (۱۴۱۶/۱۳۷۴)، الأخبار الموفقیات، تحقیق سامی مکی العانی، قم، الشریف الرضی.
- زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۹)، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین.
- سمعانی، ابوسعّد (۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م)، الانساب، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة.
- صولی، ابو بکر محمد (۲۰۰۴/۱۴۲۵)، کتاب الأوراق قسم أخبار الشعراء، تحقیق ج. هیورث دن، قاهرة، الهيئة العامة لقصور الثقافة.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷)، تاریخ طبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- طبری، ابن رستم (۱۴۱۳)، دلائل الإمامة، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، بعثت.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳)، دولت عباسیان، مترجم حجت الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طوسی، ابو جعفر (۱۴۱۱ق)، الغيبة، تحقیق عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الإسلامية.
- _____ (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تحقیق خرسان، حسن الموسوی، تهران، اسلامیه.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۰۸ق)، الاوائل، طنطا، دارالبشیر.
- فلاح زاده، احمد (۱۳۹۹)، «جایگاه زمان و مکان در سیره امام حسن عسکری (ع) از منس فرازمانی تا سیره عصری»، فصلنامه سیره پژوهی اهل بیت، پاییز و زمستان، دوره ۶، شماره ۱۱.
- قاضی نعمان، ابوحنیفه (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار، قم، جامعه مدرسین.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، تحقیق دار الحدیث، قم، دار الحدیث.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲)، الزهد، تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، المطبعة العلمية.
- مبرد، ابو عباس (۱۹۹۹/۱۴۲۰)، المقتضب، تحقیق حسن حمد، بیروت، دار الکتب العلمية.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴/۱۴۲۶)، اثبات الوصیة، قم، انصاریان.
- _____ (۱۴۰۹)، مروج الذهب، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجرة.
- مفید، محمد (۱۴۱۳)، الارشاد، قم، کنگره.
- مقدسی، ابونصر (بی تا)، البدء و التاریخ، بورسعيد، مكتبة الثقافة الدينية.
- مقدمی بصری، محمد بن احمد (۱۴۲۸)، التاریخ و أسماء المحدثین و كناهم، تحقیق ثامر كاظم عبد الخفاجی، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

- مؤیدی، مجد الدین (۱۹۹۳)، لوامع الانوار، صعده، مكتبة التراث الاسلامی.
- موسوی تینانی، سید اکبر و سید علی موسوی نژاد (۱۳۹۴)، «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان، شماره ۶۲.
- المیاحی، جلیله فیصل برغش (۲۰۲۱)، «موقف العلویین ما بین سیاستی المنتصر و المستعین»، مجله اداب الکوفه، جلد ۲، شماره ۴۹، صفحات ۴۲۷-۴۴۸.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفة.
- نویری، شهاب الدین (۱۴۲۳)، نهاية الأرب فی فنون الأدب، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومية.
- یعقوبی، احمد (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.
- Krapfi JE, 2016, Behaviorism and society, Behav Anal, 39 (1): 123-9. Doi: 10, 1007/s 40614-016-00638.
- Abamson, Charles I, 2013, Problems of teaching the behaviorist perspective in the cognitive in the cognitive revolution, Behav Sci (Basel); 3(1): 55-71. Doi: 10, 3390/bs3010055.
- Sik hung ng, Intergroup Behaviour and Ethnicity: A Social Psychological Perspective, Asian Ethnicity volume 6, 2005-issue 1, pages 19-34, Published online: 27 May 2010.
- Yilmaz, Saim, Mu'tazid ve Müktefi Döneminde Abbasiler, clit 6, sayı 2, 245-258, 01.06.2006.